

متن پرسش

با سلام خدمت استاد گرامی: در مقدمه بجهت آنکه زبان مشترکی با شما بیابم باید عرض کنم که کتاب های «ادب خیال و عقل و قلب» و «هدف حیاط زمینی انسان» (مباحث مربوط به الهام و وسوسه) و «زن آنگونه که باید باشد» و «فرزندم این چنین باید بود» را مطالعه کرده و با حقایق خیال و عقل و قلب و الهامات ملک و وسوسه شیطان آشنایی دارم (اما هنوز مبتدی هستم) و این موضوعی که از شما سوال دارم هم جهت افزایش بینش است و هم از باب دقت در تصمیم گیری. اخیراً جهت خواستگاری از خانومی اقدام کردم و در دو جلسه ملاقاتم با ایشان دچار چالش دو راهی عقل و دل گردیده ام بدین صورت که عقلم تماماً ایشان را تایید می‌کند ولی دلم اعراض دارد و هیچ حس علاقه و کششی نسبت به ایشان ندارم. حال دو راه پیش روی خود می‌بینم: ۱) این اعراض قلبی ناشی از تاثیر وسوسه ی شیطان بر خیال است بطوری که خواهان همسری با ویژگی های ظاهری بهتری باشم، که با توجه به مطالبی که در کتاب ادب خیال عرض کرده اید باید روند آشنایی من با ایشان باز هم ادامه یابد تا تمام حقیقت این خانوم برای من روشن شود آنگاه علاقه و محبت قلبی خود بخود ایجاد خواهد شد مثل ظاهر روزه گرفتن که چندان دلنشین نیست ولی حقیقت و باطن روزه زمانی که برای ما کشف می‌شود بسیار دلنشین می‌شود. ۲) با توجه به اینکه قلب همان فطرت است این اعراض قلبی من نسبت به این خانوم بدین معناست که بلکه ایشان رزق مقدر بنده نیستند و نباید بیش از این بر تحقیق و کنکاش از ایشان پرداخت و تا بدین حد دقت و زحمت در انتخاب وسواس است و همان علاقه و میل اولیه و یک بررسی اجمالی از دیانت و اخلاق و خانواده کفایت می‌کند. (کلا همسر باید به دل بنشیند) ممنون می‌شوم در این مورد مرا راهنمایی کنید.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: اگر رویهمرفته خوبی‌هایشان مورد تأیید است و انسان، بدش نیاید ولی عرفاً زیبا باشد، إن شاء الله مؤدّت و رحمت الهی پیش می‌آید و مشکل حلّ می‌شود. موفق باشید